

خارج از مدار

کشف نوزاد در سطل زباله

پلیس امریکا از کشف نوزاد بد حال داخل یک سطل زباله خبر داد.

مالک خانه‌ای که این نوزاد نژاد یکی آن پیدا شده هنگام بررسی اطراف خانه چندین لکه خون پیدا می‌کند که پس از پیگیری‌های بعدی رد لکه‌های خون، در نهایت به سطل زباله می‌رسد.

این مرد پس از بررسی‌های بیشتر داخل سطل زباله، کیسه‌های پیدا کرد که داخل آن نوزادی پیچیده شده در یک پتو بود. پلیس امریکا با تأیید شناسایی مادر این نوزاد اعلام کرد: این زن پس از به دنیا آوردن فرزندش او را داخل سطل زباله رها کرده است. اتهام قتل نافرجام و به خطر انداختن جان یک کودک متوجه این زن است.

قتل زن جوان به دست پلیس امریکا

یک زن مظنون به سرقت در شهر آلبو کرکی امریکا به ضرب گلوله پلیس به قتل رسید.

به گزارش شبکه تلویزیونی پرس تی‌وی، پلیس آلبوکرکی امریکا اعلام کرد یکی از مأموران خود رو بود به ضرب گلوله کشت. این زن سومین فردی است که به دست پلیس آلبوکرکی در یک ماه گذشته کشته می‌شود. دو هفته قبل مقامات فدرال از پلیس آلبوکرکی برای تیراندازی‌های توجیه‌ناپذیر به شدت انتقاد کردند. تحقیقات یک ساله نشان می‌دهد پلیس آلبوکرکی بی دلیل مظنونان را می‌کشد و بیش از حد از خشونت استفاده می‌کند. پس از آنکه در مارس گذشته تصاویر قتل یک فرد بی‌خانمان در دست مأموران پلیس این شهر روی اینترنت منتشر شد، این اقدام خشم عمومی را برانگیخت.

۱۵۰ غرق شده در تایتانیک چشم بادامی‌ها

امدادگران و غواصان در کره جنوبی، تاکنون اجساد ۱۵۰ تن از سرنشینان کشتی غرق شده را پیدا کرده‌اند.

۱۷۴ تن از مسافران کشتی سولون نتجاند یافتند و ۳۰۲ تن دیگر نیز کشته یا ناپدید شده‌اند. هنوز از سرنوشت بسیاری از مسافران خبری در دست نیست. با گذشت ۹ روز از حادثه غرق شدن کشتی مسافری در کره جنوبی، ۱۵۲ تن همچنان ناپدید هستند و شمار نجات‌یافتگان ۱۷۴ تن اعلام شده است.
وضع نامناسب دریا و جریان شدید آب، سبب شده اجرای عملیات جست‌وجو، بی در پی متوقف و دوباره آغاز شود. حدود ۵۵۰ تن از نیروهای گشت ساحلی نیروی دریایی و غواص در حال جست‌وجو در داخل لاشه کشتی غرق شده هستند. همچنین ۲۱۲ کشتی نجات و ۲۴ فروند هواپیما در محل حادثه و برای یافتن مفقودان گشت می‌زنند.

کشتی ۶هزار و ۸۵۰ تنی کره‌ای هشت روز پیش با ۴۷۵ مسافر که بیش از ۲۸۸ نفر از آنها دانش آموز بودند، به سمت جزیره توریستی چیجو حرکت می‌کرد که دچار سانحه و غرق شد.

اعمالن تیراندازی شهر ستان دیر دستگیر شدند

دو پسر جوان که در شهرستان دیر در استان بوشهر با شلیک چند تیر به خودرویی دخترپچه‌ای را زخمی کرده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش پلیس، سردار عباس‌زاده فرمانده انتظامی استان بوشهر در تشریح جزئیات این حادثه گفت: نیمه‌های شب ۳۱ فروردین ماه امسال مأموران پلیس تیراندازی به خودرویی با خبر شدند که بررسی‌ها نشان داد در جریان این حادثه دخترپچه‌ای داخل خودرو زخمی شده است. از طرف دیگر مشخص شد شاکلی که مرد ۳۰ساله‌ای بود با خودروش در سه‌راهی شهر بردخون متوقف یکی از دوستانش بوده که لحظاتی بعد دو نفر ناشناس از فاصله ۵۰ متری به سمت خودرو تیراندازی می‌کنند که دخترپچه سه ساله شاکلی در صندلی عقب خودرو در حالی که خواب بوده مصدوم می‌شود.

وی افزود: بعد از حادثه مأموران پلیس هم‌زمان با انتقال دخترپچه به بیمارستان، تحقیقات خود را برای شناسایی عاملن تیراندازی آغاز کردند.

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: سرانجام مأموران در تحقیقات فنی ۳۰ ساعت بعد از حادثه متهمان را شناسایی و دستگیر کردند. همچنین مأموران از مخفیگاه آنها، سلاح به کار رفته در تیراندازی با مهمات مربوطه را کشف کردند.

وی در پایان با اشاره به اینکه وضعیت جسمانی دخترپچه رضایت‌بخش است، گفت: متهمان در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان ادامه داد.

زن و مرد خیانتکار قصاص می‌شوند

حکم قصاص زن و مردی که متهم هستند با همدستی هم مرتکب قتل شده‌اند، در دیوان عالی کشور تأیید شد.
به گزارش خبرنگار ما، ۱۴ دی ماه سال ۸۴ زن میانسالی به مأموران پلیس شهریار خبر داد که شوهرش به طور ناگهانی ناپدید شده است. شاکلی که لیلان نام داشت، گفت: چهار روز قبل شوهرم که بهادر نام دارد گفت می‌خواهد به دیدن یکی از دوستانش برود. بعد از آن هم دیگر از او خبری نشد و درخواست کمک دارم. بعد از مطرح شدن شکایت، مأموران پلیس آگاهی دست به تحقیق زدند اما نتوانستند نشانی از مرد ناپدید شده پیدا کنند تا اینکه ۹ ماه بعد از مطرح شدن شکایت، برادر بهادر به مأموران پلیس خبر داد احتمال می‌دهد همسر برادرش در ماجرای ناپدید شدن وی دخالت داشته باشد. مرد جوان گفت: مدتی است متوجه شده‌ام لیلان با مردی به نام سهراب رفت و آمد دارد. من به رفتار آنها مشکوک هستم و درخواست رسیدگی دارم. بعد از مطرح شدن ماجرا، مأموران سهراب را بازداشت و از او تحقیق کردند. او گفت: من از مدتی قبل بهادر را می‌شناختم و با هم دوست بودیم. وقتی از ناپدید شدن او باخبر شدم، به خانه‌اش رفتم تا سراغ او را بگیرم اما نمی‌دانم برای او چه اتفاقی افتاده است. از آنجا که مدرکی علیه مرد جوان موجود نبود، مأموران او را آزاد کردند. در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت، مأموران متوجه رفت و آمد مرد مظنون به خانه بهادر شدند و سرانجام یک روز او را همراه لیلان‌بازداشت کردند.

سهراب در بازجویی‌های بیشتر به قتل بهادر اقرار کرد و گفت: من با بهادر دوست بودم تا اینکه بعد از رفت و آمد به خانه‌اش با همسر او آشنا شدم. مدتی که از آشنایی ما گذشت، به هم علاقه‌مند شدیم و تصمیم گرفتیم بهادر را به قتل برسانیم و با هم از دواج کنیم. یک روز همراه یکی از دوستانم که بهروز نام دارد به خانه بهادر رفتیم. آن روز لیلان در خانه نبود. در فرصت مناسب با همدستی بهروز او را به قتل رساندیم و جسدش را به بیابان‌های تهران منتقل کردیم اما درساره ماجرا چیزی به لیلان نگفتم. چند ماه بعد هم با او از دواج کردم و ماجرا را برایش

توضیح دادم. مأموران در جریان بررسی‌های خود متوجه شدند بهروز در جریان حادثه نقش ندارد. بنابراین بار دیگر از متهم تحقیق کردند تا اینکه اقرار کرد با همدستی لیلان مرتکب قتل شده است. متهم گفت: روز حادثه با نقشه قبلی به خانه بهادر رفتم و جای خلوتی پنهان شدم. لیلان هم شوهرش را با فرص مسموم کرد و بعد با همدستی او مرتکب قتل شدم. بعد از آن جسدش را در کانال آب بلوار ابوذر تهران رها کردیم. لیلاوقتی مورد بازجویی قرار گرفت، حرف‌های سهراب را تأیید کرد.

میهمان ناخوانده اموال میزبان را برد

بیاید و او هم قبول کرد. بعد از تمام شدن ساعت ملاقات، با ماشین پژوام به طرف مهمانسرا حرکت کردیم. نزدیک مهمانسرا و به فروشگاه‌های رفت و مقداری خوراکی خرید. بعد هم شام را در مهمانسرا خوردیم. تا اینکه قبل از خواب ابراهیم دو لیوان شیر آورد و یک لیوان را خوردش خورد و یک لیوان را هم به من داد. بعد از خوردن شیر، سرم گیج رفت و از هوش رفتم تا اینکه صبح به هوش آمدم. وقتی حالم بهتر شد، متوجه شدم که ابراهیم مرا با شیر مسموم بیهوش کرده و تمام اموالیم از جمله تاب، مقداری پول، ۱۰ جفت کفش کتانی که برای فروشگاه‌های خرید کرده بودم، پتوی گلبافت نو و ماشینم را سرقت کرده است. بعد از طرح این شکایت، بهروز به دستور قاضی نصرتی بازپرس دادسرای امور جنایی پایتخت در اختیار تیمی از کارآگاهان قرار گرفت. مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی سارق انجام دادند تا اینکه چند روز بعد از حادثه متهم‌را در حالی که سوار بر ماشین سرسرتی بود، در جنوب تهران شناسایی و دستگیر کردند. متهم در نخستین بازجویی‌ها با اعتراف به سرقت و خوردن داروی بیهوشی به شاکلی گفت: بهمین ماه سال قبل از یکی از شهرستان‌های غربی کشور برای کار به



خودکشی یا قتل؟

متهم به قتل همسایه محاکمه شد

پسری که متهم است چهار سال قبل همسایه‌اش را از پست‌بام خانه در ملارد به پایین انداخته و باعث مرگ وی شده، اتهام خود را انکار کرد.
به گزارش خبرنگار ما، نماینده دادستان تهران روز گذشته مقابل هیئت قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران ایستاد و در دفاع از کیفرخواست گفت: متهم پرونده حمید نام دارد و ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۸۹ در بازداشت است. روز حادثه وقتی مأموران پلیس ملارد در محل حادثه حاضر شدند، فهمیدند یکی از اهالی ساختمان که ناصر نام داشت از پشت بام به پایین سقوط کرده و فوت شده است. بررسی‌های اولیه نشان داد که ناصر و حمید لحظاتی قبل برای متر کردن پشت بام به بالای ساختمان رفته بودند که حادثه اتفاق افتاده است. بنابراین حمید بازداشت شد و مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: ما در حال حرف زدن بودیم که ناگهان ناصر به پایین سقوط کرد و فوت شد. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران دست به تحقیقات محلی زدند و حمید چند بار دیگر هم مورد تحقیق قرار گرفت. وی گفت: من و ناصر در پشت‌بام مشاجره کردیم. او گفت خودش را می‌کشد و خودش را

به گردن من می‌اندازد. ترسیدم و از پشت‌بام به پایین دویدم. یکی از دوستانم را که هادی نام دارد، در کوچه دیدم و ماجرا را به او گفتم. بعد هر دو به خانه‌مان برگشتیم. در حیاط خانه بود که متوجه شدیم حادثه اتفاق افتاده است. هادی وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، حرف‌های متهم را انکار کرد. گفت: حمید را دیدم که به سرعت از خانه خارج شد. وقتی به خانه‌شان رفتم متوجه حادثه شدم. نماینده دادستان تهران گفت: بررسی اوراق پرونده نشان می‌دهد که حمید مقتول را از بالای پشت بام به پایین انداخته و باعث مرگ وی شده است. بنابراین برای او درخواست صدور حکم شایسته دارم. بعد از آنکه اولیای‌دم در خواست قصاص کردند، قاضی اصغرزاده، حمید را به جایگاه دعوت کرد. او گفت: ما ساکن طبقه چهارم ساختمان بودیم. مدتی بود که بعد از هر بارندگی سقف خانه‌مان چکه می‌کرد. ساختمان ما مدیر نداشت به خاطر همین موضوع را به همه ساکنان گفتم و خواستم برای ایزوگام ساختمان پول بدهند. وقتی از ناصر که در یکی از طبقات زندگی می‌کرد، قاضی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم و وکیل مدافع او، با اعضای دادگاه وارد شور شد.

زن و مرد خیانتکار قصاص می‌شوند



بعد از انجام تحقیقات، باز پرس لیلان و سهراب را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. اما دو متهم در روز دادگاه اظهارات خود را تغییر دادند و اتهام قتل را انکار کردند. دفاعیات دو متهم از سوی هیئت قضایی پذیرفته نشد و هر دو به قصاص محکوم شدند. پس از آن پرونده در دیوان عالی کشور بررسی شد و قضات شعبه ۲۴ دیوان، رأی صادره را تأیید کردند. بنابراین دو متهم در صورتی که موفق به جلب رضایت اولیای دم نشوند، به زودی مجازات می‌شوند.



سهراب در بازجویی‌های بیشتر به قتل بهادر اقرار کرد و گفت: من با بهادر دوست بودم تا اینکه بعد از رفت و آمد به خانه‌اش با همسر او آشنا شدم. مدتی که از آشنایی ما گذشت، به هم علاقه‌مند شدیم و تصمیم گرفتیم بهادر را به قتل برسانیم و با هم از دواج کنیم. یک روز همراه یکی از دوستانم که بهروز نام دارد به خانه بهادر رفتیم. آن روز لیلان در خانه نبود. در فرصت مناسب با همدستی بهروز او را به قتل رساندیم و جسدش را به بیابان‌های تهران منتقل کردیم اما درساره ماجرا چیزی به لیلان نگفتم. چند ماه بعد هم با او از دواج کردم و ماجرا را برایش توضیح دادم.

دستبرد طلایی به گاوصندوق پدرزن

مردی که متهم است به گاوصندوق پدرزنش دستبرد زده و طلاهای او را سرقت کرده، گرفتار پلیس شد.
سرهنگ «احمد چنداز» فرمانده انتظامی شهرستان دزفول با اعلام این خبر گفت: چندی قبل مردی به اداره پلیس رفت و از سرقت مقدار زیادی پول، طلا و جواهرات قیمتی از خانه‌اش شکایت کرد. تحقیقات اولیه نشان داد سارقان، زمانی که اعضای خانواده به پیشنهاده دامادشان به یک مهمانی خانوادگی رفته بودند، به این خانه دستبرد زده‌اند.

از طرف دیگر مشخص شد با توجه به سالم بودن قفل در خانه، سارقان افراد آشنایی بوده‌اند که کلید خانه را در اختیار داشته‌اند. همچنین معلوم شد داماد این خانواده هنگام مهمانی به بهانه‌ای مهمانی را ترک کرده و از منزل خارج شده است. بنابراین مأموران به داماد این خانواده مظنون شدند و وی را برای بازجویی به اداره آگاهی احضار کردند.

متهم در بازجویی‌ها ابتدا با تناقض گویی قصد داشت پلیس را فریب دهد اما وقتی مورد بازجویی فنی قرار گرفت، به سرقت با همدستی



مرد دیگری اعتراف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان دزفول با اشاره به دستگیری سهرنگ متهم افزود: داماد نامک‌نشناس به سرقت مبلغ ۴۰ میلیون ریال پول نقد و مقدار زیادی طلا و جواهر قیمتی به ارزش تقریبی ۴۰۰ میلیون ریال اعتراف کرد. متهم گفت: پدر خانم فرد پولداری بود و بارها از وی درخواست کمک کردم ولی به ما توجهی نمی‌کرد تا اینکه محل نگهداری طلاها و پول‌هایش را که یک گاوصندوق بود، شناسایی کردم. بعد از این با تهیه کلید یدکی نقشه مهمانی ساختگی را طراحی کردم. وی ادامه داد: در فاصله زمانی که همگی مشغول خوردن شام بودند، به بهانه اینکه کاری واجب پیش آمده از خانه خارج شدم و به اتفاق یکی از همدستانم که دستگاه پش فلزات داشت سراغ گاوصندوق رفتم و اقدام به سرقت کردم. سرسرهنگ چنداز در پایان گفت: متهمان در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند و اموال سرقتی تحویل مالباخته‌شد.

بخش قاتل

به احترام امام حسین (ع)

اولیای دم جوانی ۲۰ساله در اردبیل با بخشش خود، قاتل را از چوبه دار نجات دادند.

پدر مقتول گفت به احترام امام حسین (ع) و رضایت خداوند از متهم اعلام گذشت کرده است. این جوان ۲۱ساله هشت سال پیش در یک درگیری و نزاع، دوست خود را به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود و روز گذشته با میانجیگری امام جمعه، روحانیون و معتمدین و عشایر و جلب رضایت خانواده مقتول از چوبه دار رهایی یافت. فیض علی قلیزاده، پدر مقتول، پیسروی از امام حسین و اهل بیت (ع) و جلب رضایت خداوند را هدف این کار خود عنوان کرد.

خارج کردن سوزن از معده یک زن

در یک عمل جراحی در پارس آباد، سوزن خیاطی از معده زن ۲۴ساله با موفقیت خارج شد.

دکتر دینا امامی متخصص و جراح داخلی گفت: این سوزن دو سال پیش در معده این خانم گیر کرده بود و بیمار از وجود آن بی‌خبر بود. وی افزود: این بیمار از دو سال قبل به علت درد معده و خورخوری در هنگام سرفه بارها به پزشک مراجعه کرده بود و تنها با شربت و قرص اتنی اسید آرام می‌گرفت اما در مراجعه اخیر به پزشک فوق تخصص گوارش و انجام آندوسکوپی، وجود جسم خارجی در معده بیمار تأیید شد. دکتر امامی اضافه کرد: این عمل جراحی با برش کوچک روی معده بیمار با موفقیت انجام و سوزن خیاطی از معده وی خارج شد.

مرگ پدر و پسر در سیل

اجساد پدر و پسر جوانی که در شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی بر اثر جاری شدن سیل جان خود را از دست داده بودند، کشف شد.

سرهنگ محمد خشتنگر، فرمانده انتظامی شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی درباره این حادثه گفت: چند روز قبل مأموران کلاترتی ۱۲ از قربانی شدن پدر و پسر جوانی به نام‌های حسین پیغامی و امیر پیغامی بر اثر جاری شدن سیل در حوالی روستاهای امیرآباد و زرنق و کلامه باخبر شدند.

تحقیقات اولیه نشان داد پدر و پسر مشغول چرای دام بوده‌اند که به دلیل بارش‌های شدید و جاری شدن سیل جان خودشان را از دست می‌دند. سرانجام مأموران پلیس با کمک اعضای ستاد حوادث غیرمترقبه شهرستان، اجساد پدر و پسر جوان را پیدا کردند.

۲۶زخمی در تصادف اتوبوس و کامیون

سازحه رانندگی در جاده هزار ۲۶ زخمی و یک کشته بر جای گذاشت.

رئیس پلیس راهور مازندران گفت: این سانحه ساعت ۵:۵۵قیقه بامداد دیروز بر اثر برخورد یک دستگاه اتوبوس با کامیون در جاده هزار منطقه پل گزنک رخ داد که در این سانحه همچنین یک نفر کشته شد.

سرهنگ قاسمیان با اشاره به اینکه این اتوبوس با ۴۰ سرنشین از تهران عازم گرگان بود، افزود: سرعت غیرمجاز اتوبوس علت این حادثه بود.

دکتر مصدری، رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران نیز گفت: شش نفر از مصدومان برای ادامه درمان به بیمارستان ۱۷ شهریور امر اعلام و بقیه سرباپی مداوا و مرخص شدند.

دستگیری دندانیز شک قلابی در گرگان

مردی که در شهرستان گرگان در پوشش دندانیز شک از دانشجویان کلاهبرداری می‌کرد، دستگیر شد.

سردار «سیدمحمد میرفیضی» فرمانده انتظامی گلستان با اعلام این خبر گفت: چندی قبل شهروندی به مأموران اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی استان رفت و از یک فرد کلاهبردار که در پوشش دندانیز شک از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد، شکایت کرد. بعد از طرح این شکایت، تحقیقات پلیسی نشان داد متهم با چهره‌ای ارزاسته خود را دندانیز شک معرفی کرده و از شهروندان به خصوص دانشجویان کلاهبرداری می‌کند.

سرانجام مأموران پس از دو هفته کار اطلاعاتی موفق شدند مرد کلاهبردار را که برای اخذی از دانشجویان به دانشگاه رفته بود، شناسایی و دستگیر کنند. وی افزود: بعد از دستگیری در بازرسی از منزل وی تعداد زیادی مدارک، اموال و اسناد جعلی کشف شد.

میرفیضی با اشاره به اعتراف متهم به ۴۸ فقره کلاهبرداری و اخذاتی از شهروندان خصوصاً دانشجویان خاطر نشان کرد: با اهنمایی متهم، تعداد زیادی از مالباختگان شناسایی شدند و متهم پس از تشکیل پرونده برای مسیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.